



# رویارویی پیامبران الهی با جریان استکبار

گفت: از کارهای ما راضی هستی یا ناراضی؟ شعیب(ع) گفت: خداوند به من وحی فرستاده، کارهایی که تو می کنی فاجر نامیده می شود؛ پس پادشاهی او را تکذیب کرد و پادشاه، او و یارانش را از شهر بیرون کرد ولی شعیب دست بردار نبود و به پند و اندرز ادامه داد و آن ها هم او را تبعید کردند و خداوند هم آن قوم مستکبر را عذاب کرد.

حضرت شعیب(ع) - که گفته شده اسم او شمعییا بوده است - از دیگر پیامبران الهی بود که در برابر مستکبران زمان خود ایستاد و چون به فرمان خدا به سوی قومی فرستاده شد تا آن قوم و پادشاه آن را به ایمان دعوت کند پس از این که ایمان آوردند، دوباره سرکشی کردند و مورد غضب آنان قرار گرفت، مستکبران تصمیم به قتل او گرفتند، قوم او را تعقیب و شععییا پیامبر(ع) را که به داخل درختی پناه برده بود به همراه درخت با اره نصف کردند و به شهادت رساندند.

در میان پیامبران اولوالعزم، حضرت موسی(ع) بیشترین درگیری را با مستکبران داشت، از فرعون گرفته تا مستکبرانی از قوم خود و قارون و بلعم باعور. خداوند در قرآن رویارویی حضرت موسی(ع) با فرعون را به تفصیل ذکر می کند و روحیه استکباری فرعون و سرکشی قارون و بلعم باعور را یادآور می شود.

در روایات از رویارویی شموئیل پیامبر(ع) با طاغوت زمان خود هم یاد شده است. اما داستان حضرت الیاس(ع) با مستکبر زمان خود داستان استقامت پیامبری است که پس از رویارویی با مستکبران تکذیب کننده خداوند و گرفتار بت پرستی، آن ها تصمیم به قتل او گرفتند؛ حضرت الیاس(ع) فرار کرد و هفت سال از گیاهان تغذیه کرد و سرانجام از خداوند خواست از آن ها انتقام بگیرد و خداوند آن قوم را به قحطی و گرفتاری عذاب کرد و الیاس را به آسمان ها برد.

دعوت مستکبران به یگانه پرستی توسط جوجیس پیامبر(ع) موجب شد تا این پیامبر الهی(ص) چهار بار گرفتار شدیدترین شکنجه ها شود و هر بار خداوند او را به سلامت از شکنجه ها رهایی بخشید. یکبار توسط سحره ها به او سمی خوراندند شد که به گفته سحره ها اگر به اهل زمین داده می شد همه می مردند؛ اما این پیامبر الهی(ع) چنان مقاومتی از خود نشان داد که همه سحره ها ایمان آوردند و پادشاه مستکبر، آنان را به زندان انداخت و سپس همگی را کشت.

پیامبران الهی در راستای رسالتی که بر عهده داشتند، در رویارویی با مستکبران لحظه ای تردید به خود نشان ندادند و قدرت و شوکت مادی و ظاهری آنان هرگز موجب نشد در برابر سرکشی آنان عقب نشینند. آنان امروزه به الگویی برای مؤمنان و ایستادگی با مستکبران تبدیل شده اند. با نگاهی دوباره به تاریخ پیامبران در آیینه روایات رسیده از ائمه اطهار(علیهم السلام) و مقایسه آن با کلام پیامبر اکرم(ص) که فرمود «هیچ پیامبری به اندازه من اذیت نشد» رنجها و مشقت های پیامبر(ص) در برابر مستکبران آشکار می شود و با فلسفه چرایی جایگاه رفیع او در مقایسه با پیامبران دیگر در این بُعد و ابعاد دیگر پیش از پیش آشنا می شویم.

منبع: موسوعة الكلمات الانبیاء(ع)؛ داستان پیامبران

بنابر روایتها، نخستین پیامبری که با مستکبران روبه رو شد حضرت ادریس(ع) بود. امام محمد باقر(ع) در روایتی، از پادشاهی معاصر این پیامبر الهی یاد می کند که در تفریحی بیرون از شهر، زمین فردی مؤمن را به زور تصاحب می کند و با فتنه همسرش او را به شهادت می رساند و خداوند به حضرت ادریس(ع) وحی می کند که نزد این پادشاه مستکبر رفته، انتقام ما و سلب پادشاهی و ویرانی مملکت و خواری او و خوردن گوشت همسرش توسط سگان را به وی ابلاغ کند. پس از ابلاغ این فرمان، پادشاه و همسرش تصمیم به قتل حضرت ادریس(ع) می گیرند، حضرت از شهر بیرون می رود و آن قوم را نفرین می کند و خداوند طعم عذاب الاهی را به آنان می چشاند.

دومین رویارویی پیامبر الاهی(ع) با مستکبران، رویارویی حضرت نوح(ع) با قوم خود متشکل از ۷۰ هزار جبار زمانه بوده است. مستکبران چنان عرصه را بر نوح(ع) تنگ کردند که گاهی بیهوش و از گوش هایش خون جاری می شود. ۳۰۰ سال تبلیغ و مبارزه حضرت نوح(ع) با این قوم با چنین وضعیتی تا رسیدن عذاب الاهی، نشان از تلخی روزگار این پیامبر(ع) با مستکبران عصر خود دارد.

درگیری حضرت هود(ع) و مستکبران پس از چهل سالگی به فرمان الاهی و آزار این پیامبر الهی تا آن جا که گاه یک شبانه روز بیهوش بر زمین می افتاد و دوباره به سوی قوم خود بازمی گشت و آنان را از جباری پرهیز می داد، داستان دیگری از زندگی پیامبران الهی است. قرآن از میان این پیامبران نام حضرت صالح(ع) را به صراحت یاد می کند و می فرماید: مستکبران قوم صالح(ع) به مستضعفان قوم گفتند: آیا می دانی صالح از طرف خداست؟ گفتند: ما به آن چه صالح آورده ایمان داریم، مستکبران گفتند:

ما به آن چه شما ایمان آورده ای کافریم. با نگاهی به تاریخ مبارزه پیامبران با مستکبران در آیینه روایات پس از حضرت صالح(ع) و حضرت هود(ع) نوبت به رویارویی حضرت ابراهیم(ع) می رسد؛ آن حضرت در برابر قومی ایستاد که حتی عمو و پدر خوانده اش در میان آن قرار داشتند.

موضع گیری شجاعانه حضرت ابراهیم(ع) در برابر مستکبران که مبلغ و مروج شرک و بت پرستی بودند، او را به شکستن بتها سوق داد و همین امر مستکبران را بر آن داشت تا او را در آتش اندازند که البته با اعجاز و امداد الاهی رهایی یافت. رانده شدن از دیار و قوم خود و آوارگی با زن و فرزند، تاوان مبارزه او با مستکبران بر سر تبلیغ توحید در برابر شرک و بت پرستی بود که زمینه آن را مستکبران فراهم کرده بودند.

شعیب(ع)، دیگر پیامبر بود که در برابر مستکبران دوران خود ایستاد و تا آخرین لحظه تلاش کرد، تا سرانجام خداوند با عذاب خود آن قوم مستکبر را نابود کرد.

راوندی در داستانی ماجرای شعیب پیامبر(ع) را نقل می کند، آن جا که شعیب به سوی مدین فرستاده شد و او از اهل مدین نبود.

آن ها پادشاه جبار و مستکبری داشتند که هیچ پادشاهی قدرت مقابله با او را نداشت و آن ها در کیل و وزن کم می گذاشتند و فساد اقتصادی هم داشتند پس از کفر و تکذیب حضرت شعیب پادشاه او را احضار کرد و

